



برداشت حسابرسیان ایرانی از ریسک ذاتی

دکتر یحیی حساس یگانه

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر ابراهیم وحیدی الیزی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

این پروژه تحقیقی به ریسک ذاتی توجه دارد و با بکار گیری پرسشنامه ، برداشت حسابرسیان رده بالای سازمان حسابرسی را از اهمیت برخی عوامل که می تواند در تعیین ریسک ذاتی موثر باشد، مورد تحقیق قرار می دهد.

یافته های این تحقیق دال بر این امر است که حسابرسان ایرانی نگرشی مشابه نسبت به متغیرهایی داشته اند که در تحقیقات انجام شده در انگلستان و استرالیا به عوامل ریسک ذاتی داشته‌اند. متغیرهایی مانند طرح پاداشی که بخشی از درآمدهای مدیریت است، معروفیت شرکتي در پذیرش ریسک تجاری غیر عادی و سابقه اشتباهات با اهمیت از عوامل عمده تعیین ریسک ذاتی می‌باشند. یافته های این تحقیق این موضوع را آشکار ساخت که حسابرسان ایرانی در شناخت اهمیت عوامل ریسک ذاتی دقت کافی را ندارند و بر بار معنایی واژه ها توجه نمی‌نمایند و بالاخره این تحقیق آشکار ساخت که حسابرسان ایرانی هم چون حسابرسان انگلیسی در تشخیص بین عوامل ریسک ذاتی و عوامل ریسک کنترل مشکل دارند.

واژه های کلیدی

ریسک ذاتی، ریسک کنترل، ریسک کشف و مدل ریسک حسابداری

مقدمه

روش تحلیل ریسک در کار حسابداری به حسابهایی که احتمال اشتباه در آنها زیاد است توجه دارد و منابع حسابداری را از حسابهایی که اشتباهات جدی ندارند به حسابهایی که اشتباه با اهمیت دارند انتقال می دهد. بنابراین، هدف این روش شناسایی حسابهایی است که به طور تخمینی بالاترین احتمال وقوع (نشان دادن) اشتباهات جدی را دارند، تا سپس منابع حسابداری به رسیدگی به آن حسابها انتقال یابد. از این رو، برای هر مشتری برنامه حسابداری خاصی با توجه به عوامل مختلف ریسک که بر موسسه صاحبکار اثر می‌گذارد، طراحی می‌شود. شواهد مورد نیاز این برنامه ها نه تنها باید بر کل سطوح ریسک حسابداری مربوط باشد بلکه باید بر پایه برآورد حسابرسان از ریسک ذاتی خاصی که صاحبکار مورد نظر را به خطر می‌اندازد، تنظیم شود.

موسسات حرفه ای به طور عام و سازمان حسابرسی کشور به طور خاصی در مقایسه با همتایان خود در دیگر نقاط دنیا هیچگاه به برآورد ریسک حسابرسی نپرداخته اند^۱. به عنوان مثال، انجمن حسابداران رسمی امریکا این مساله را در حدود ۲۰ سال قبل در دو استاندارد ۳۹^۲ (۱۹۸۱) و ۴۷^۳ (۱۹۸۳) و استرالیا استاندارد ۲۷^۴ را راجع به اهمیت ریسک حسابرسی در سال ۱۹۸۵ و استاندارد ۳۰^۵ را راجع به ریسک ذاتی و ریسک کنترل در سال ۱۹۹۰ انتشار داد و در انگلستان اعضای این حرفه استاندارد حسابرسی^۶ ۳۰۰ را را که تحت عنوان حسابداری و سیستم کنترل داخلی در بر آورد ریسک حسابرسی در سال ۱۹۹۵ انتشار یافته بود، پذیرفت. در ایران نیز در سال ۱۳۷۸ سازمان حسابرسی کشور در بخش ۴۰ استانداردهای حسابرسی برآورد ریسک حسابرسی را لازم الاجرا دانست. در بند ۳ بخش ۴۹ (برآورد خطر و سیستم کنترل داخلی) استانداردهای حسابرسی، ریسک حسابرسی را احتمال خطر این که حسابرس نسبت به صورتهای مالی حاوی اشتباه یا تحریف با اهمیت نظر حرفهای نامناسب اظهار کند تعریف می کند. این تعریف با استاندارد ۳۰۰ که ریسک حسابرسی را به عنوان خطر اراهه نظر نادرست در مورد صورتهای مالی تعریف می کند تا حدودی مطابقت دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - اسماعیلی کاک رودی، علی، بکارگیری حسابرسی مبتنی بر مدل ریسک در سازمان حسابرسی، تهران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه اسلامی ۱۳۷۹

2. American Institute of Certified Public Accountant, (1981). Statement on Auditing Standards NO.39. "Audit Sampling". New York. AICPA.
3. American Institute of Certified Public Accountant, (1981). Statement on Auditing Standards No. 47, Audit Risk and Materiality on Audit. New York. AICPA
4. Australian Accounting Research Foundation Auditing Standards Board, (1985). Statement and auditing Practice AUP No.27, Materiality and Audit Risk.
- 5 Australian Accounting Research Foundation Auditing Standards Board, (1990). Statement on a auditing Practice AUP NO. 30, Inherent and control Risk Assessments and their Impact on Substantive Procedures.
- 6 Auditing Practices Board. (1995). Statement of Auditing Standards No. 300 Accounting and Internal Control Systems and Risk Assessment

پیشینه تحقیق

در کشور های انگلیسی زبان مانند امریکا، انگلستان ، استرالیا و کانادا از سال ۱۹۸۳ تا کنون تحقیقات متعددی در مورد ریسک حسابداری و اجزاء آن انجام شده است. برخی از این تحقیقات به عدم توانایی مدل ریسک حسابداری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در مدل ریسک به ریسک استقلال حسابرسان و ریسک ذاتی حسابرس به این معنی که حسابرس ممکن است از اطلاعاتی که در اختیار وی قرار می‌گیرد سوء استفاده کند (سهام بخرد یا اطلاعات را بفروشد) و همچنین به ریسک قدرت مدیریت صاحبکار در ارباب و فریب حسابرس که سبب سلب استقلال حسابرس می‌شود توجه نشده‌است . با اهمیت‌ترین تحقیقات انجام شده در باره ریسک حسابداری به ویژه ریسک ذاتی به شرح ذیل است :

بی‌آئی و همکاران (۲۰۰۲) بر این باورند که حسابداری صورتهای مالی به توسط حسابرسان مستقل یکی از ابزارهای کلیدی مقررات قانونی است که از بازار سرمایه حمایت می‌کند. بعد از فروپاشی انرن یافته‌های دادگاه نشان داد که چگونه اعتماد به بیطرفی را یک موسسه حسابداری می‌تواند کاهش دهد . قصور حسابرسان در شناخت و گزارش اطلاعات مالی همراه کننده در بلند مدت ارزش اقتصادی حسابداری را بتدریج کاهش می‌دهد. کوتاهی حسابرس در کشف و گزارش اشتباه ، تخلف و تحریف در صورتهای مالی ثبات بازار سرمایه را از بین می‌برد. این امر بدان علت است که فرایند حسابداری قابل مراقبت نیست ، مقررات نظارتی ، مهارت و استقلال حسابرسان را کنترل نمی‌کند.

محققان مشکل استقلال را ناشی از عدم وجود تعریف استقلال در مقررات و رهنمودهای منتشره از سوی استاندارد گذارها می‌دانند . به این نتیجه رسیده‌اند که سه عامل: (۱) در آمد شرکاء که به حفظ صاحبکار خاصی وابسته است . (۲) عدم وجود کمیته حسابداری متشکل از مدیران غیر موظف که اکثر آنها مستقل باشند. (۳) انگیزه مدیریت واحد تجاری بتدریج استقلال حسابرس را از بین می‌برد.

نتایج حاصل از این پژوهش ۲۲ عامل را نمایان ساخت که به سلامت استقلال واقعی حسابرسان مربوط بودند که اهم آن عبارتند از: (۱) فشار های خاص (۲) رودر بایستی (۳) خویشاوندی (۴) رسیدگی انفرادی (۵) انگیزه مدیریت واحد تجاری، که ابزار کلیدی فشار و مرعوب کردن حسابرسان است که متاسفانه هنوز کمتر در مقررات مربوط به استقلال مورد توجه قرار گرفته است.

هل لیبر و همکاران (۱۹۶۶) تحقیق وی تقلیدی از تحقیقی بود که به توسط مونرو در سال ۱۹۹۳ در استرالیا انجام شده بود. وی در این تحقیق از پرسشنامه ای شامل ۴۸ شاخص (۴۲ متغیر ریسک ذاتی و ۶ متغیر ریسک کنترل) که در بیانیه ها، دستور العملها و متون حسابرسی از آنها به عنوان عوامل بسیار مربوط در برآورد ریسک ذاتی نام برده شده بود استفاده کرد.

نتایج این تحقیق با یافته های مونرو (۱۹۹۳)، پیترز (۱۹۹۰)، بران (۱۹۹۰) و دیراسمیت (۱۹۹۱) مبنی بر این که عوامل ریسک ذاتی و ریسک کنترل لازم و ملزوم یکدیگرند همخوانی داشت. از سوی دیگر بیان کننده این واقعیت بود که حسابرسان عوامل ریسک ذاتی را می شناسند ولی در تفکیک عوامل ریسک ذاتی از عوامل ریسک کنترل مشکل دارند.

مونرو و همکاران (۱۹۹۳) در تحقیقات خود که از طریق پرسشنامه انجام شد دیدگاه وسیعی را برای بر آورد ریسک ذاتی فراهم ساخت. به این نتیجه رسید که فشار مالی، دفعات مکرر عزل و نصب مدیران، تطبیق دفتر معین بدهکاران با دفتر کل، اکراه مدیریت از پذیرش تعدیلات حسابرسان و سابقه اشتباهات در مانده حسابها مهمترین عامل در محاسبه ریسک ذاتی است.

دیر اسمیت و همکاران (۱۹۹۱) با استفاده از ویژگیهای ۴۸ صاحبکار از طریق بکارگیری پرسشنامه از حسابرسان خواستند هر یک از ویژگیهای مندرج در پرسشنامه را در تعیین سطح ریسک ذاتی مورد ارزیابی قرار دهند. پس از دریافت پاسخها، مرتبط ترین ویژگیهای صاحبکارها در تعیین ریسک ذاتی به شرح ذیل عنوان گردید: (۱) موثر بودن کنترل پردازش دادهها (۲) رویه به تصویب معاملات (۳) انگیزه مدیریت رده بالا در گزارش نتایج دلخواه مالی (۴) موثر بودن حفاظت فیزیکی داراییها و مدارک (۵) تفکیک مناسب وظایف (۶) عواملی که مدیران را به حذف یا نپذیرفتن کنترلهای موجود ترغیب می کند.

۴ تا ۶ ویژگی مذکور از متغیرهای ریسک کنترل بودند. این یافته منجر به حمایت تحقیقات کوشینگ (۱۹۸۳) شد که عنوان می‌کرد که اجزای ریسک ذاتی ممکن است با اجزای دیگر ریسکها ارتباط داشته باشند.

فوگارتی و همکاران (۱۹۹۱) یافته‌های ناشی از ۴۸۰ حسابرسی انجام شده به وسیله ۶ موسسه بزرگ حسابرسی در کشورهای امریکا، انگلستان و افریقای جنوبی رامورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که برآورد ریسک ذاتی در تعیین ریسک مربوط به اشتباهات، تخلفات و تحریفها در صورتهای مالی از آنچه که قبلاً شناسایی شده بسیار مهمتر و با اهمیت‌تر است آنها مدعی اند که حسابرسی که درک درستی از فعالیت صاحبکار دارند به آسانی می‌توانند چنین برآوردی را انجام دهند.

همچنین آنها دریافتند که علاوه بر عامل سابقه اشتباهات و تخلفات صاحبکار معاملات غیر سیستماتیک و ویژگیهای صنعت از عوامل موثر وقوع اشتباه تخلف می‌باشند.

پیترز و همکاران (۱۹۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که حسابرسان در مورد صورتهای مالی صاحبکار اطلاع در مورد تغییرات در صنعت و فعالیت صاحبکار و انگیزه مدیریت و توانایی آنها در دستکاری مانده حسابها را که اهمیت خاصی در بر آورد ریسک دارد مورد توجه قرار می‌دهند.

تاچر (۱۹۸۹) در مقاله تحقیقی خود ادعا می‌کند که مساله عمده ریسک حسابرسی پرداختن به عوامل ریسک ذاتی است که در مدل اولیه استرینگر از آن چشم‌پوشی می‌شود.

در بین تحقیقات انجام شده در مورد ریسک ذاتی، تحقیق کلبرت (۱۹۸۷) تعیین کننده است. وی با توجه به یافته‌های تحقیق متغیرهای موثر بر ریسک ذاتی را به دو گروه عوامل فراگیر و عوامل خاص حساب تقسیم کرد. عوامل فراگیر به وسیله او به عنوان عواملی که بر بسیاری از زمینه‌های حسابرسی تاثیر می‌گذارند تعریف شده است و آنها عبارتند از: (۱) محیطی که واحد تجاری در آن فعالیت می‌کند. (۲) ساختار سازمانی واحد تجاری، واحد حسابداری، پیچیدگی سازمانی، پایبندی به اهداف واحد تجاری و ویژگیهای مدیریت بالا و هیات مدیره. (۳) وضعیت مالی و رویه حسابداری.

عوامل ذیل نیز به توسط کلبرت به عنوان متغیرهای خاص حساب شناسایی شده اند. (۱) ویژگیهای مدیریت و کارکنان حوزه حسابرسی واحد مورد رسیدگی (۲) ماهیت معاملات حسابداری مربوط به حوزه خاص حسابرسی (۳) سیستم حسابداری .

کلبرت در تحقیق دیگری که در سال ۱۹۸۸ انجام داد، نمونه‌ای از بر آورد ریسک ذاتی به توسط حسابرسان در آمریکا را مورد بررسی قرار داد. دریافت که تغییر در مدیریت حسابداری ، فشار مالی، میزان پیچیدگی سربار در مورد موجودیهای کالا و کیفیت کارکنان در بر آورد میزان ریسک ذاتی بسیار با اهمیت و تاثیر گذار است و از میان آنها کیفیت کارکنان مهمترین عامل از چهار متغیر ریسک ذاتی است.

بوریتز و همکاران (۱۹۸۷) در تحقیق خود از پرسشنامه استفاده کرد و از حسابرسان خواست که عوامل ریسک ذاتی را شناسایی کنند. وی به این نتیجه رسید که متغیرهای دیگری نیز در برآورد سطح ریسک ذاتی اهمیت دارند و شواهدی ارائه کرد که مساله نقدینگی ، سابقه اشتباهات و تخلف ، سطح موجودی کالا، میزان دفعات عزل و نصب مدیران ، استحکام کنترل داخلی و این که حسابرسی با خواست عمومی همراه باشد از عواملی هستند که در بر آورد ریسک ذاتی تاثیر با اهمیتی دارند.

اشتن و همکاران (۱۹۸۳) در تحقیق خود دو حوزه حسابرسی را که تصور می‌شد بالاترین ریسک ذاتی را دارند و نسبت به زمان یا اشتباه حساس اند (حسابهای دریافتی و موجودیهای کالا) را انتخاب کردند. نتایج پژوهش نشان داد که بالاترین میزان اشتباه ، تخلف و تحریف مربوط به این حسابها بوده است همچنین معلوم شد که این حسابها اغلب با اهمیت‌اند و به طور کلی سطح ریسک پایینی باید به آنها تخصیص داده شود .

دانیل (۱۹۸۸)، والکر و جیمبالوف (۱۹۸۴) و استراسر (۱۹۹۰) نیز در پژوهشهای خود همان دو حوزه حسابرسی را انتخاب کرده ، نتایج تحقیقات آنها یافته های اشن را مورد تایید قرار داد. کوشینگ و همکاران (۱۹۸۳) در مقاله پژوهشی خود علاوه بر شناسایی عوامل ریسک ذاتی از مدل ریسک حسابرسی بسیار انتقاد کرده نقاط ضعف موجود در ساختار و کاربرد مدل را نشان

داده است همچنین آن طور که ادعا شده بود مستقل از یکدیگر نیستند بلکه با هم ارتباط دارند بعدها این ادعا از سوی دیگر محققان مانند دیر/اسمیت وهاس کین (۱۹۹۱) تایید شد.

فرضیه های تحقیق

با توجه به مقدمه و مباحث پیشین ، سوال و فرضیات تحقیق به شرح ذیل طرح شده است :

سؤال تحقیق : حسابرسان ایران از ریسک ذاتی چه برداشتی دارند؟

برای پاسخ به سؤال بالا ، فرضیه های تحقیق به صورت زیر قابل تدوین است:

۱. حسابرسان رده بالا عوامل ریسک ذاتی را می شناسند.
۲. حسابرسان رده بالا در تعیین ریسک ذاتی به درجه اهمیت عوامل ریسک ذاتی توجه دارند.
۳. حسابرسان رده بالا در تشخیص عوامل ریسک ذاتی با عوامل ریسک کنترل دچار اشتباه می شوند.
۴. حسابرسان رده بالا در عمل زمان بیشتری را به اقلامی که ریسک ذاتی بیشتری دارند، تخصیص می دهند.
۵. میزان ریسک ذاتی با درجه اهمیت عوامل آن رابطه دارد.
۶. حسابرسان رده بالا بر اهمیت متغیر ها در تعیین ریسک ذاتی واقفند.
۷. شناخت عوامل ریسک ذاتی با میزان تحصیلات حسابرسان رابطه دارد.
۸. شناخت عوامل ریسک ذاتی و ریسک کنترل با تجربه حسابرسان رابطه دارد.
۹. شناخت بین عوامل ریسک ذاتی و ریسک کنترل با تجربه حسابرسان رابطه دارد.
۱۰. شناخت بین عوامل ریسک ذاتی و ریسک کنترل با تحصیلات حسابرسان رابطه دارد.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیق توصیفی است که هدف از انجام آن اطلاع از برداشت حسابرسان ایرانی از ریسک ذاتی است. اجرای این تحقیق به طور معمول برای شناسایی بیشتر شرایط موجود ذهنیت حسابرسان ایرانی از شناخت عوامل موثر بر ریسک ذاتی است. در این تحقیق عملاً امکان و توانایی دخل و تصرف در واقعیت‌های موجود جامعه مورد تحقیق وجود نداشته و صرفاً به بررسی وضع موجود پرداخته شده است.

جامعه آماری، نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری در این تحقیق از دو جامعه مجزا از هم به شرح ذیل تشکیل شده است:

۱. حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی کشور
۲. پرونده های حسابرسی

الف - جامعه آماری حسابرسان

از آن جا که موضوع این تحقیق اطلاع از برداشت حسابرسان ایران از ریسک ذاتی است به دلیل زیر حسابرسان مشغول در سازمان حسابرسی کشور برای تحقیق در نظر گرفته شدند:

- سازمان حسابرسی تنها موسسه حسابرسی در کشور است که بیشترین تعداد رده‌های مختلف حسابرسان در آن اشتغال دارند.
- شرکا و اکثر موسسات از ۴ نفر تجاوز نمی کنند و اغلب آنها نیز از قبل از تاسیس موسسه ای مستقل ، از مدیران این سازمان بوده اند . برای سهولت تحقیق و اطلاع از برداشت رده های مختلف حسابرسان از ریسک ذاتی و همچنین تعمیم نتایج به کل جامعه ، جامعه آماری مورد تحقیق به ۷ طبقه به شرح جدول شماره (۱) تقسیم شده است .

ب- جامعه آماری پرونده های حسابداری

در این تحقیق سعی شد تا شواهد تجربی از طریق بررسی پرونده های حسابداری واحد های مورد رسیدگی نیز بدست آید تا معلوم شود که حسابرسان در عمل زمان بیشتری را به رسیدگی اقلامی که ریسک ذاتی بیشتری دارند اختصاص می دهند. از این رو ، پرونده حسابداری ۱۶ شرکت به طور تصادفی انتخاب شد و ساعات کار انجام شده به وسیله رده های مختلف حسابرسان در مورد رسیدگی به موجودیهای نقدی ، داراییهای ثابت ، حسابهای دریافتنی ، سایر حسابهای دریافتنی موجودیهای کالا سرمایه گذارها و پیش پرداختها از کاربرگهای دو سال متوالی هر شرکت استخراج گردید.

آزمون فرضیه ها و نتیجه گیری

نتایج تجزیه و تحلیل آماری و آزمون فرضیه های تحقیق در جدول (۲) نشان می دهد که حسابرسان رده بالا عوامل ریسک ذاتی را می شناسند و در عمل زمان بیشتری را به رسیدگی اقلامی که ریسک ذاتی بیشتری دارند تخصیص می دهند ولی در تشخیص عوامل ریسک ذاتی با عوامل ریسک کنترل مشکل دارند . یافته های این تحقیق با یافته های هل لیبر (۱۹۹۶)، مونرو (۱۹۹۳)، دیر اسمیت (۱۹۹۱)، پیترز (۱۹۹۰) و بران (۱۹۹۰) همخوانی دارد. برای سهولت دستیابی به مستندات یافته ها در جدول (۳) ستونی برای شاخصها ، پاسخها ، سطح معنی دار تعبیه شده است و در جوار جدول فوق یافته های کریستین هل لیبر (۱۹۹۶) در مورد برداشت حسابرسان انگلیسی از ریسک ذاتی ارایه گردیده است تا مقایسه به آسانی صورت گیرد.

حسابرسان ایرانی تمامی ۱۷ شاخص اولیه را به عنوان عامل ریسک ذاتی در سطح صورتهای مالی با اهمیت آماری (سطح معنی دار) کمتر از $p < 0.05$ شناسایی کرده اند. در

حالی که حسابرسان انگلیسی ۱۲ شاخص از ۱۷ شاخص مذکور را به عنوان عامل موثر بر ریسک ذاتی شناسایی کرده بودند.

حسابرسان ایرانی شاخص ردیف ۱ را با سطح ریسک و اهمیت بالا (رتبه ۳) با سطح معنی دار $P < 0.001$ و حسابرسان انگلیسی نیز آنرا با اهمیت بالا (رتبه ۶) با سطح معنی دار $P < 0.001$ جز عامل ریسک ذاتی شناسایی کرده اند.

شاخص ردیف ۲، ۱۵ و ۴ راجع به نرخ تغییر افراد مدیریت بالای واحد تجاری و کارکنان حسابداری است. حسابرسان انگلیس شاخص ردیف ۲ را عامل با اهمیت (رتبه ۸) و شاخص ردیف ۴ را با اهمیت (رتبه ۱۱) با سطح معنی دار $P < 0.001$ عامل ریسک ذاتی تلقی کرده اند، اما نسبت به تغییرات کم مدیریت بالا نظر مشابهی ندارند. حسابرسی ایرانی شاخص ردیف ۲ را به لحاظ اهمیت (رتبه ۴) با سطح معنی دار مشابه و شاخص ردیف ۱۵ را با همان اهمیت آماری با سطح ریسک و اهمیت پایین به عنوان عامل ریسک ذاتی تلقی کرده اند. از این رو برداشت حسابرسان ایرانی مشابه همتایان استرالیایی آنها است. لذا یافته های ما در این مورد با یافته های مونرو (۱۹۹۳) همخوانی دارد.

شاخصهای ردیف ۳، ۵، ۶ به توسط حسابرسان ایرانی با سطح ریسک بالا و درجه اهمیت (رتبه ۱، ۱۰، و ۲۳) با سطح معنی دار $P < 0.001$ مشابه با برداشت حسابرسان انگلیسی با اهمیت (رتبه ۲، ۱، ۱۷) جز عوامل ریسک ذاتی شناسایی شده است.

شاخصهای ردیف ۷ و ۸ در مورد عدم وجود مشکل در واحد تجاری در چند سال گذشته و صداقت مدیریت بالای واحد تجاری است. حسابرسان ایرانی را نظر این است که شاخصهای مذکور دارای سطح ریسک و اهمیت پایین اند ولی اهمیت آماری قوی دارند و جز عامل ذاتی می باشند. این دیدگاه حسابرسان انگلیسی است با این تفاوت که آنها اهمیت این شاخصها را مهم (رتبه ۱۵ و ۱۳) بر آورد کرده اند.

شاخص ردیف ۹ راجع به صلاحیت کارکنان دایره حسابداری است. حسابرسان ایرانی این شاخص را با سطح ریسک و درجه اهمیت پایین با سطح معنی دار $P < 0.001$ به عنوان عامل

ریسک ذاتی شناسایی کرده اند. نظر حسابرسان ایرانی به لحاظ سطح ریسک و اهمیت آماری مشابه حسابرسان انگلیسی است با این تفاوت که حسابرسان انگلیسی درجه اهمیت این شاخص را بالا (رتبه ۱۶) ارزیابی کرده‌اند. کلبرت (۱۹۸۸) کیفیت کارکنان را بسیار با اهمیت و تاثیر گذار در بر آورد ریسک ذاتی تلقی می‌کند و آن را مهمترین عامل ریسک ذاتی می‌داند. به نظر نگارنده ارزیابی حسابرسان ایرانی از این شاخص به دلیل عدم توجه به بار معنایی واژه صلاحیت است، زیرا همین حسابرسان ایرانی شاخص ردیف ۲۲ را که در واقع حالت منفی شاخص ردیف ۹ است را با سطح ریسک و درجه اهمیت بالا (رتبه ۱۴) با اهمیت آماری $P < 0.01$ جز عامل ریسک ذاتی در سطح مانده حساب ارزیابی کرده اند. حسابرسان ایرانی باید توجه داشته باشند که وجود و عدم صلاحیت اهمیت دارد، و این وزن اهمیت در هر دو صورت مساوی و مختلف الجهت است.

شاخص ردیف ۱۰ مربوط به ثبات محیط فعالیت است، حسابرسان ایرانی سطح ریسک و درجه اهمیت این شاخص را پایین ولی به لحاظ آماری با اهمیت تلقی کرده اند.

حسابرسان انگلیسی سطح ریسک این شاخص را پایین ولی اهمیت آن را بالا با رتبه ۲۴ برآورد کرده‌اند. حسابرسان ایرانی باید توجه داشته باشند که وجود ثبات اهمیت دارد و اهمیت آن هنگامی مشخص می‌گردد که خلاف آن را در نظر گرفته شود. بنابراین وجود ثبات سطح ریسک را کاهش می‌دهد ولی از اهمیت آن نمی‌کاهد، این ثبات است که اهمیت دارد عدم آن مشکل ساز است باید توجه داشت که اهمیت ثبات در وجود ثبات و عدم آن به یکسان تجلی می‌کند.

شاخص ردیف ۱۱ به در بورس بودن یا نبودن واحد تجاری مربوط است، حسابرسان ایرانی به لحاظ آماری آن را قویاً با اهمیت آماری $P < 0.001$ ولی به لحاظ سطح ریسک و اهمیت پایین تلقی کرده اند. در ادبیات حرفه یی و دانشگاهی این ویژگی شرکتها به عنوان یک عامل عمده موثر بر ریسک حسابداری تلقی می‌شود (در واقع اعتماد به حسابداری است که بایستی نظر درستی ارایه دهد) در این باره می‌توان استدلال مندرج در ذیل شاخص ۱۰ را در اینجا تکرار کرد. در تحقیقه هل لیبر (۱۹۶۶) حسابرسان انگلیسی به لحاظ آماری آن را با اهمیت

تلقی کرده بودند $P < 0,05$ زیرا آنها فکر می کردند این شاخص از احتمال وقوع تحریف تاثیر می پذیرد که این طرز تفکر می تواند مشکلاتی برای آنها در بر داشته باشد و منجر به کوتاهی آنها در حسابرسیها گردد. بعد از مذاکراتی که محقق مذکور با آنها انجام داد، حسابرسان نظر خود را تغییر دادند و به لحاظ اهمیت رتبه ۵ را برای آن قایل شدند. لذا حسابرسان ایرانی باید توجه داشته باشند که با ورود واحد تجاری در بورس سطح ریسک و درجه اهمیت آن کاهش نمی یابد و این وجود یا عدم بورس است که اهمیت دارد.

شاخص ردیف ۱۳ در تحقیق هل لیبر (۱۹۶۶) که در انگلستان صورت گرفت این شاخص به لحاظ آماری فاقد اهمیت تلقی شده بود و عدم تمایل مدیریت را در قبول تعدیلات حسابرسان برجسته می ساخت. اما این شاخص در تحقیق مونرو (۱۹۹۳) که در استرالیا انجام گرفت بسیار با اهمیت تلقی شده بود. حسابرسان ایرانی این شاخص را به لحاظ سطح ریسک و اهمیت بالا (رتبه ۸) با اهمیت آماری $P < 0,05$ شناسایی کرده اند که با یافته های مونرو (۱۹۹۳) همخوانی دارد.

شاخصهای ردیف ۱۴ و ۱۶ راجع به تامین مخارج و توانایی پرداخت تعهدات است که کلبرت (۱۹۸۸)، بورنیز (۱۹۸۷) و مونرو (۱۹۹۳) آن را موضوع مهم در تعیین ریسک ذاتی دانسته اند و آن را در گروه فشار طبقه بندی کرده اند. حسابرسان ایرانی این دو شاخص را با سطح ریسک و اهمیت پایین با سطح معنی دار $P < 0,001$ و $P < 0,01$ به عنوان عوامل ریسک ذاتی شناسایی کرده اند، در حالیکه حسابرسان انگلیسی آن را با سطح ریسک و اهمیت پایین جز عوامل ریسک ذاتی شناسایی نکرده اند.

حسابرسان ایرانی همانند همتایان خود در انگلستان شاخص شماره ۱۷ را با سطح ریسک و اهمیت پایین و سطح معنی دار $P < 0,001$ به عنوان عامل ریسک ذاتی در سطح مانده به حساب شناسایی کرده اند. در واقع آنها بر این باورند که عمر واحد تجاری یکی از عوامل ریسک ذاتی با اهمیت آماری بالا است.

شاخصهای ردیف ۲۰، ۱۹، ۱۸ و ۲۰ به توسط حسابرسان ایرانی به لحاظ سطح ریسک و درجه اهمیت بالا (به ترتیب دارای ۶، ۲، ۲۰ و ۱۹) ولی فاقد اهمیت آماری ارزیابی، جز عوامل ریسک کنترل شناسایی شده اند. در حالی که همتایان انگلیسی آنها این شاخصها را با سطح ریسک و درجه اهمیت بالا (با رتبه ۹، ۳، ۴ و ۱۲) و اهمیت آماری $P < 0.001$ به عنوان عوامل ریسک ذاتی در سطح مانده حساب شناسایی کرده اند. در این جا باید به این موضوع اشاره شود که در دیگر تحقیقات انجام شده به وسیله دانشمندان حسابداری آنها به این موضوع برخورد کرده اند که پاسخ دهندگان شاخصهایی را به عنوان عامل ریسک شناسایی می کنند ولی در طبقه بندی آن به عنوان ریسک ذاتی یا کنترل نظر دیگری دارند، مونرو (۱۹۹۳)، پیترز (۱۹۹۰)، سالمون (۱۹۹۰) و دیراسمیت (۱۹۹۱) با چنین نتایجی روبرو شده اند. یافته های این دانشمندان منجر به حمایت از پیشنهادهایی در ادبیات حسابداری مبنی بر این که عوامل ریسک ذاتی و کنترل می توانند لازم و ملزوم یکدیگر باشد.

شاخصهای ردیف ۲۲ و ۳۱ که به تجربه کارکنان دایره حسابداری مربوط اند و دو جنبه بالا و پایین تجربه را در نظر دارند از نظر حسابرسان ایرانی عدم تجربه با سطح ریسک و درجه اهمیت بالا (رتبه ۱۴) با اهمیت آماری $P < 0.001$ و جنبه دیگر آن با ریسک و اهمیت پایین آماری $P < 0.005$ جز عوامل موثر بر ریسک ذاتی ارزیابی شده اند. حسابرسان انگلیسی در مورد شاخص ۲۲ نظری مشابه حسابرسان ایرانی با درجه اهمیت بالا (رتبه ۱۸) و اهمیت آماری $P < 0.001$ ارایه کرده اند. آنها شاخص ۳۱ را با سطح ریسک پایین و درجه اهمیت بالا (رتبه ۲۶) و اهمیت آماری $P < 0.001$ جز عامل ریسک ذاتی در سطح مانده حساب ارزیابی کرده اند، در این جا نیز حسابرسان ایرانی به واژه تجربه التفاتی نکرده اند، در یک حالت آن را با اهمیت بالا و در حالت عکس بی اهمیت ارزیابی کرده اند. در حالی که تجربه به لحاظ اندازه گیری سطح ریسک دارای اهمیت است، تجربه کم ریسک را بالا می برد تجربه زیاد آنرا کاهش می دهد. درجه اهمیت در هر دو حالت مساوی است و این سطح ریسک است که تغییر می کند.

شاخصهای ردیف ۲۴ و ۳۰ دو جنبه یک موضوع مربوط به تجربه و عدم تجربه کارکنان در ارزیابی موجودیهای کالا را مطرح می کند. حسابرسان ایرانی شاخص ۲۴ را با سطح ریسک و درجه

اهمیت بالا (رتبه ۵) و سطح معنی دار $P < 0.005$ و شاخص ۳۰ را با سطح ریسک و اهمیت پایین از عوامل موثر بر ریسک ذاتی در سطح مانده حساب شناسایی کرده‌اند. نظر حساب‌برسان انگلیسی در مورد شاخص شماره ۲۴ مشابه حساب‌برسان ایرانی است. ولی درباره شاخص ردیف ۳۰ آنها آن را با سطح ریسک پایین ولی با درجه اهمیت بالا (رتبه ۲۵) و سطح معنی دار $P < 0.001$ به عنوان عامل موثر بر ریسک ذاتی در سطح مانده حساب شناسایی کرده‌اند. این تفاوت در ارزیابی شاخص ردیف ۳۱ به عدم توجه حساب‌برسان ایرانی به بار معنایی واژه تجربه بر می‌گردد. شاخصهای ردیف ۲۵ و ۲۶ به عدم توافق با مدیریت در مورد کالای ناباب و اختلاف نظر در مورد رویه‌های اعمال شده در مورد موجودیهای کالا مربوط است. نظر حساب‌برسان ایرانی در مورد این دو شاخص مشابه نظر حساب‌برسان انگلیسی است با این تفاوت که آنها را عامل موثر بر ریسک کنترل می‌دانند.

شاخص ردیف ۲۷ به تغییر در روش وصول حسابهای دریافتی مربوط است. حساب‌برسان ایرانی این شاخص را به لحاظ سطح ریسک و درجه اهمیت پایین و عامل ریسک کنترل شناسایی کرده‌اند. در حالی که همتای انگلیسی آنها آنرا با سطح ریسک و درجه اهمیت بالا (رتبه ۲۲) و سطح معنی دار $P < 0.001$ عامل ریسک ذاتی ارزیابی کرده‌اند. در این باره باید یاد آور شد که هر گونه تغییری با ریسک همراه است.

شاخصهای ردیف ۲۸ و ۳۸ مربوط است به استفاده از فرمول پیچیده برای محاسبه سربار جهت موجودیهای کالا و دیگری استفاده از فرمول ساده برای این منظور حساب‌برسان ایرانی سطح ریسک و درجه اهمیت بالا را (رتبه ۱۱) برای این شاخص در نظر گرفته‌اند و آن را عامل ریسک ذاتی با سطح معنی دار $P < 0.05$ ارزیابی کرده‌اند. نظر حساب‌برسان انگلیسی نیز مشابه حساب‌برسان ایرانی با درجه اهمیت بالا (رتبه ۲۰) است. اما در مورد شاخص ردیف ۳۸ حساب‌برسان ایرانی با نظر حساب‌برسان انگلیسی یکسان است و هر دو دسته آن را عامل موثر بر ریسک کنترل تلقی کرده‌اند. مساله‌ی که در این جا جلب نظر می‌کند طبقه‌بندی دو جنبه یک موضوع در دو گروه مختلف (ریسک ذاتی و ریسک کنترل) است.

شاخص ردیف ۳۳ و ۴۲ به تغییرات سطوح موجودیهای کالا در چندین سال ربط دارد و شاخص ۴۲ وضعیتی را تشریح می‌کند که در آن سطوح موجودیهای کالا ثابت می‌ماند.

حسابرسان ایرانی همانند همتای انگلیسی خود سطح ریسک و درجه اهمیت شاخص ۳۳ را بالا تلقی کرده اما آن را موثر بر ریسک کنترل می دانند. در مورد شاخص ۴۲ نیز نظر یکسانی دارند و آن را نیز عامل ریسک ذاتی تلقی نمی کنند.

شاخص ردیف ۳۵ و ۴۱ اندازه موجودیهای کالا و حسابهای دریافتی را به عنوان بخشی از کل داراییهای جاری مورد بررسی قرار می دهد. شاخص ۳۵ که به نسبت بزرگ سهم موجودیهای کالا در داراییهای جاری مربوط می شود به وسیله حسابرسان ایرانی به طور با اهمیتی مهم و موثر بر ریسک ذاتی تلقی شده است. نظر حسابرسان انگلیسی در باره سطح ریسک و درجه اهمیت همانند حسابرسان ایرانی است ولی آنها این شاخص را به عنوان عامل موثر بر ریسک ذاتی شناسایی نکرده اند. شاخص ۴۱ از پاسخ دهندگان می پرسد، آیا آنها نسبت بالای حسابهای دریافتی به داراییهای جاری را موثر بر ریسک ذاتی تلقی می کنند؟ حسابرسان ایرانی همچون همتایان انگلیسی خود برای این شاخص سطح ریسک و درجه اهمیت بالایی در نظر گرفته اند و آنرا موثر بر ریسک ذاتی نمی دانند.

شاخص ردیف ۳۶، ۳۷، ۳۹ و ۴۰ به حجم معاملات انجام یافته واحد تجاری در هر دوره مربوط است. در این ۴ شاخص حجم بالا و پایین معاملات در دو زمینه حسابهای دریافتی و موجودیهای کالا مورد نظر است حسابرسان ایرانی شاخص ۳۶ و ۳۹ را به لحاظ سطح ریسک و درجه اهمیت بالا تلقی کرده در حالی که همتای انگلیسی آنها آن را به لحاظ سطح ریسک و درجه اهمیت پایین ارزیابی کرده اند. بیان چنین نظری از سوی حسابرسان ایرانی در مورد سطح ریسک و درجه اهمیت ناشی از برداشت آنها از پردازش حجم کم معاملات است به نظر آنها اگر حجم بالایی از معاملات پردازش شود سطح ریسک و درجه اهمیت پایین می آید. در حالی که به این موضوع واقفند که تحریف و تقلب در حسابهایی صورت می گیرد که حجم بالایی دارند. موارد بالا در مورد شاخصهای ۳۷ و ۴۰ نیز صادق است. در این مورد کلبرت (۱۹۸۷) چندین عامل مربوط به سیستم حسابداری که به ریسک بالاتر ذاتی مربوط بوده اند را شناسایی کرده، که یکی از آن عوامل حجم بالای معاملات بود که به وسیله سیستم حسابداری پردازش شده. به هر حال به نظر می رسد حسابرسان ایرانی موافق با یافته های خانم کلبرت نباشند.

پیشنهادها

هدف از انجام تحقیق می تواند کسب معرفت نسبت به هر چیزی که نظر آدمی را جلب کند باشد. وقتی آدمی نسبت به شناخت و کسب معرفت در باره چیزی می پردازد با مسایلی روبرو می شود که ممکن است نیازمند تحقیق و بررسی جدید باشد، یا به نارساییهایی پی ببرد که مستلزم ارایه راه حل باشند. نگارنده نیز در انجام این تحقیق با موضوعاتی برخورد کرد که تحقیق در مورد آنها برای پیشرفت حرفه در ایران لازم است. ازسوی دیگر نتایج تحقیق کاستیها و مشکلاتی را آشکار ساخت که باید راه حلهایی برای رفع آن پیشنهاد گردد.

۱. پیشنهاد براساس یافته های تحقیق در زمینه رفع مشکلات موجود

با توجه به تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق و نتایج به دست آمده از آن در مورد ریسک ذاتی پیشنهادهای زیر ارایه می شود:

همان طور که نتایج تحقیق نشان داده رده های مختلف حسابرسان در شناخت عوامل ریسک حسابرسی بطور عام و ریسک ذاتی به طور خاص مشکل دارند. این مشکل ناشی از عدم تدریس ریسک حسابرسی در دانشگاه و همینطور عدم توجه به آن در حرفه بوده است. از این رو، برای بالا بردن سطح دانش رده های مختلف حسابرسان، پیشنهاد می شود:

☞ سازمان حسابرسی برای بالا بردن دانش حسابرسان رده بالای خود راجع به ریسک حسابرسی جلسات بازآموزی یا همایش برای مدیران ارشد، فنی و جانشین مدیر تشکیل دهد و موضوع ریسک به توسط یک از مدیران ارشد، فنی و جانشین مدیر تشکیل دهد و موضوع ریسک به توسط یکی از مدیران ارشد حرفه ای که اطلاعات کافی در این باره دارد مطرح و مورد بحث قرار گیرد.

☞ سازمان حسابرسی با استفاده از افراد بخش آموزش خود ساعاتی را جهت آموزش سایر رده حسابرسان اختصاص دهد.

☞ سازمان حسابرسی مقالات و کتابهای مناسبی را انتخاب و ترجمه کرده در دسترس حسابرسان قرار دهد.

در آزمون ارتقاء حسابرسان بخشی از سوالها را به موضوع ریسک در حسابداری اختصاص دهد.

۲ - پیشنهاد در مورد تحقیقات آتی

با توجه به یافته های این تحقیق عناوین ذیل برای تحقیقات آتی پیشنهاد می شود:

- ◀ ویژگیهای ریسک ذاتی و ریسک کنترل
 - ◀ تاثیر عدم تفکیک ریسک ذاتی و کنترل در مدل ریسک حسابداری
 - ◀ تاثیر عامل سیاست (قانون) در میزان شناخت حسابرسان از ریسک ذاتی
 - ◀ میزان استفاده از مدل ریسک در برنامه ریزی حسابداری
 - ◀ تاثیر برآورد ریسک بر هزینه حسابداری
 - ◀ ریسک ذاتی حسابرسان رده بالا
 - ◀ تاثیر ریسک ذاتی حسابرس بر استقلال
 - ◀ چگونه می توان ریسک ذاتی حسابرسان را کنترل کرد
- جدول (۱) چگونگی توزیع نمونه آماری بین جامعه آماری

| ردیف | طبقات جامعه حسابرسان | تعداد | درصد | تعداد نمونه آماری | درصد |
|------|----------------------|-------|------|-------------------|------|
| ۱ | مدیر ارشد | ۱۷ | ۱/۴ | ۹ | ۶/۳ |
| ۲ | مدیر فنی | ۵۷ | ۴/۶ | ۱۲ | ۸/۴ |
| ۳ | جانشین مدیر | ۱۱۷ | ۹/۵ | ۱۲ | ۸/۴ |
| ۴ | سرپرست ارشد | ۲۳۳ | ۱۸/۹ | ۲۴ | ۱۶/۸ |
| ۵ | حسابرس ارشد | ۴۶۱ | ۳۷/۴ | ۴۹ | ۳۴/۳ |
| ۶ | حسابرس # | ۲۵۸ | ۲۰/۹ | ۲۷ | ۱۸/۹ |
| ۷ | کمک حسابرس (کارآموز) | ۹۱ | ۷/۴ | ۱۰ | ۷/۰ |
| | جمع | ۱۲۳۴ | ۱۰۰ | ۱۴۳ | ۱۰۰ |

دلیل عدم تناسب میان حسابرسان و حسابرسان ارشد و همچنین کمک حسابرس عدم صدور مجوز استخدام از سوی دولت می باشد.

جدول (۲) خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها

| شرح | حسابرسان رده بالا | | حسابرسان رده میانی | | حسابرسان رده پایین | | کل نمونه | |
|----------|-------------------|----|--------------------|----|--------------------|----|----------|----|
| | تایید | رد | تایید | رد | تایید | رد | تایید | رد |
| فرضیه ۱ | × | | | | | | | |
| فرضیه ۲ | | × | × | | × | | × | |
| فرضیه ۳ | × | | × | | × | | × | |
| فرضیه ۴ | × | | × | | × | | × | |
| فرضیه ۵ | × | | × | | × | | × | |
| فرضیه ۶ | × | | × | | × | | × | |
| فرضیه ۷ | × | | | × | | × | | |
| فرضیه ۸ | | × | × | | × | | | × |
| فرضیه ۹ | | × | × | | × | | × | |
| فرضیه ۱۰ | | × | | × | | | | × |

مقایسه برداشت حسابرسان ایرانی با حسابرسان انگلیسی

جدول عوامل ریسک ذاتی

| برداشت حسابرسان انگلیسی | | | | برداشت حسابرسان ایرانی از ریسک ذاتی | | | | | | |
|-------------------------|-------|-------|------|-------------------------------------|--------------|------------|-----------|------|------|---|
| ریسک ذاتی | | | | رتبه | سطح معنی دار | ریسک کنترل | ریسک ذاتی | | | متغیرها |
| سطح معنی دار | اهمیت | بالا | درصد | | | | اهمیت | بالا | درصد | شرح |
| | | پایین | | پایین | بلی | | | | | |
| سطح صورت مالی | | | | | | | | | | |
| P<0.001 | ۶/۶۷ | بالا | ۹۵ | ۲ | P<0.01 | ۲۱ | ۷/۳۳ | بالا | ۷۹ | بدان مدیریت به سود گزارش شده وابسته است |
| P<0.001 | ۶/۵۱ | بالا | ۹۳ | ۴ | P<0.001 | ۱۲ | ۷/۳۰ | بالا | ۸۸ | دفعات عزل و نصب مدیریت بالا در چند سال اخیر زیاد بوده است |

۲۰ / فصلنامه مطالعات حسابداری شماره ۷

| | | | | | | | | | | |
|---------|------|-------|----|----|---------|----|------|-------|-----|---|
| P<0.001 | ۷/۰۱ | بالا | ۹۱ | ۱ | P<0.001 | ۰ | ۷/۴۵ | بالا | ۱۰۰ | مدیریت بالا به قبول ریسکهای غیر عادی شهرت دارند |
| P<0.001 | ۶/۳۱ | بالا | ۸۹ | ۱۲ | P<0.01 | ۲۴ | ۶/۷۰ | بالا | ۷۶ | استخدام و اخراج کارکنان حسابداری در چندسال اخیر بالا بوده است |
| P<0.001 | ۷/۲۹ | بالا | ۸۰ | ۱۰ | P<0.001 | ۱۲ | ۶/۷۵ | بالا | ۸۸ | اولین سالی است که واحد تجاری مورد رسیدگی موسسه شما قرار گرفته است |
| P<0.001 | ۵/۷۹ | بالا | ۸۰ | ۲۳ | P<0.001 | ۱۲ | ۶/۳۱ | بالا | ۸۸ | در حال حاضر اقتصاد در حال رکود است |
| P<0.001 | ۵/۸۸ | پایین | ۷۶ | | P<0.001 | ۱۸ | ۳/۷۲ | پایین | ۸۲ | در چند سال اخیر که واحد تجاری مورد رسیدگی شما قرار گرفته مشکل عسدهای نداشته است |
| P<0.001 | ۶/۳۱ | پایین | ۷۲ | | P<0.001 | ۶ | ۳/۷۶ | پایین | ۹۴ | با توجه به تجارب شما از گذشته شرکت بر این باورید که مدیریت صداقت داشته است |
| P<0.001 | ۵/۸۴ | پایین | ۷۰ | | P<0.001 | ۱۲ | ۳/۸۸ | پایین | ۸۸ | کارکنان حسابداری دارای صلاحیت میباشند |
| P<0.01 | ۵/۳۰ | پایین | ۶۶ | | P<0.001 | ۱۲ | ۳/۴۱ | پایین | ۸۸ | صنعتی که واحد تجاری در آن فعالیت دارد دارای ثبات است |
| P<0.05 | ۶/۷۳ | بالا | ۶۳ | | P<0.001 | ۹ | ۴/۴۲ | پایین | ۹۱ | واحد تجاری در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده است |

برداشت حسابرسیان ایرانی ... / ۲۱

| | | | | | | | | | | |
|-------------------|------|-------|----|----|---------|----|------|-------|----|---|
| P<0.05 | ۵/۵۸ | پایین | ۶۰ | | P<0.001 | ۹ | ۳/۳۹ | پایین | ۹۱ | واحد تجاری به لحاظ مالی دارای ثبات شده است و در چند سال اخیر رشد داشته است |
| P<0.05 | ۶/۵۵ | بالا | ۵۹ | ۸ | P<0.05 | ۲۷ | ۶/۹۷ | بالا | ۷۳ | در چند سال اخیر مدیریت واحد تجاری از قبول تعدیلات پیشنهادی حسابرسیان آگاه داشته است |
| P<0.05 | ۵/۹۵ | پایین | ۵۹ | | P<0.001 | ۱۲ | ۳/۵۸ | پایین | ۸۸ | جریان وجود نقد شرکت برای تامین مخارج و باز پرداخت بدهیهای جاری کافی به نظر می رسد |
| P<0.05 | ۴/۸۴ | پایین | ۵۶ | | P<0.001 | ۲ | ۳/۸۸ | پایین | ۹۷ | در چند سال اخیر دفعات عزل و نصب مدیریت بالا کم بوده است |
| P<0.05 | ۵/۴۳ | پایین | ۴۵ | | P<0.01 | ۲۴ | ۳/۶۸ | پایین | ۷۶ | واحد تجاری توانایی پرداخت تعهدات ناشی از قرار دادهای بدهی را دارد |
| P<0.001 | ۴/۳۵ | پایین | ۲۵ | | P<0.001 | ۳ | ۲/۴۷ | پایین | ۹۷ | بیش از ۵۵ سال از شروع فعالیت واحد تجاری می گذرد |
| در سطح مانده حساب | | | | | | | | | | |
| P<0.001 | ۶/۸۸ | بالا | ۹۵ | ۲۰ | P>0.05 | ۵۵ | ۶/۳۸ | بالا | ۴۵ | در چند سال گذشته واحد تجاری در تفکیک مقطع زمانی مشکل داشته است |

۲۲ / فصلنامه مطالعات حسابداری شماره ۷

| | | | | | | | | | | |
|---------|-------|----|----|----|--------|----|------|----|----|---|
| P<0.001 | ۶/۴۳ | ۷۶ | ۹۳ | ۶ | P>0.05 | ۶۷ | ۷/۰۶ | ۷۶ | ۳۳ | واحدتجاری دارای سابقه خطا در قیمت گذاری موجودی های کالا است |
| P<0.001 | ۶/۲۵ | ۷۶ | ۹۱ | ۱۹ | P>0.05 | ۵۵ | ۶/۳۹ | ۷۶ | ۴۵ | در گذشته برآورد مدیریت در مورد ذخیره مطالبات مشکوک الوصول درست نبوده است |
| P<0.001 | ۵/۷۶ | ۷۶ | ۸۷ | ۱۳ | P<0.01 | ۱۸ | ۶/۵۸ | ۷۶ | ۸۲ | کارکنان دایره حسابداری بدهکاران فاقد تجربه و دانش کافی در این زمینه اند |
| P<0.001 | ۶/۱۵۰ | ۷۶ | ۸۶ | ۷ | P>0.05 | ۴۸ | ۷/۰۰ | ۷۶ | ۵۲ | حسابهای دریافتی شامل تعداد قابل ملاحظه ای حساب دریافتی است که مدت زیادی از سر رسید آنها گذشته است |
| P<0.001 | ۶/۰۵ | ۷۶ | ۸۴ | ۵ | P<0.05 | ۲۳ | ۷/۲۷ | ۷۶ | ۶۷ | کارکنان درگیر در ارزیابی موجودیهای کالا نه تجزیه دارند و نه دوره آموزشی حسابداری را گذرانده اند |
| P<0.001 | ۵/۷۶ | ۷۶ | ۸۳ | ۱۳ | P>0.05 | ۶۱ | ۶/۶۶ | ۷۶ | ۳۹ | در حسابرسی قبلی شما با برآورد مدیریت در مورد کالاهای نایاب توافق نداشتید |

| | | | | | | | | | | |
|---------|------|-------|----|----|--------|----|------|-------|----|--|
| P<0.001 | ۶/۳۵ | بالا | ۸۲ | ۲۱ | P>0.05 | ۵۸ | ۶/۳۴ | بالا | ۴۲ | در گذشته با مدیریت بالای واحد تجاری راجع به رویه های اعمال شده در مورد موجودیهای کالا اختلاف نظر داشته اید |
| P<0.001 | ۵/۴۷ | بالا | ۷۲ | | P>0.05 | ۵۵ | ۴/۵۵ | پایین | ۴۵ | در سال گذشته روش وصول حسابهای دریافتی به نحو قابل ملاحظه ای تغییر یافته است |
| P<0.001 | ۵/۶۷ | بالا | ۷۰ | ۱۱ | P<0.05 | ۳۰ | ۶/۷۳ | بالا | ۷۰ | فرمول پیچیده ای برای محاسبه سربار جهت موجودیهای کالا به کار گرفته می شود |
| P<0.001 | ۵/۴۳ | پایین | ۶۹ | | P>0.05 | ۶۱ | ۳/۶۳ | پایین | ۳۹ | در سال گذشته برآورد مدیریت در مورد ذخیره مطالبات مشکوک الوصول صحیح بوده است |
| P<0.001 | ۵/۱۸ | پایین | ۶۷ | | P<0.05 | ۳۶ | ۳/۹۷ | پایین | ۶۴ | کارکنان درگیر در ارزیابی موجودیهای کالا داری تجربه اند و دوره آموزشی حسابداری را گذرانده اند |
| P<0.01 | ۵/۰۳ | پایین | ۶۶ | | P<0.05 | ۳۰ | ۳/۸۶ | پایین | ۷۰ | کارکنان دایره حسابداری بدهکاران دارای تجربه و دانش کافی باشند |

۲۴ / فصلنامه مطالعات حسابداری شماره ۷

| | | | | | | | | | | |
|--------|------|-------|----|----|---------|----|------|-------|----|--|
| P<0.01 | ۵/۴۸ | پایین | ۶۳ | | P>0.05 | ۶۱ | ۴/۰۳ | پایین | ۳۹ | اکثر حسابهای دریافتی جاری بوده، تعداد کمی حساب دریافتی سر رسید گذشته وجود دارد |
| P>0.05 | ۵/۶۵ | بالا | ۵۸ | ۲۱ | P>0.05 | ۴۲ | ۶/۳۴ | بالا | ۵۸ | سطح موجودیهای کالا در طی چند سال گذشته نوسانات قابل ملاحظه ای داشته است |
| P>0.05 | ۵/۶۹ | بالا | ۵۱ | ۱۸ | P<0.001 | ۶ | ۶/۴۱ | بالا | ۹۴ | واحد تجاری بخش عمده از موجودیهای کالای شرکت های فرعی خود را تامین می کند |
| P>0.05 | ۶/۱۵ | بالا | ۵۴ | ۱۷ | P<0.001 | ۱۵ | ۶/۴۵ | بالا | ۸۵ | موجودیهای کالا بخش عمده ای از داراییهای جاری را تشکیل می دهد |
| P>0.05 | ۴/۹۸ | پایین | ۴۸ | ۱۶ | P>0.05 | ۵۸ | ۶/۴۸ | بالا | ۴۲ | حجم کمی از معاملات حسابهای دریافتی در هر دوره پردازش می شود |
| P>0.05 | ۵/۱۱ | بالا | ۴۵ | | P<0.05 | ۴۵ | ۴/۲۴ | پایین | ۵۵ | حجم بالایی از معاملات موجودیهای کالا در هر دوره پردازش می شود |
| P>0.05 | ۴/۶۱ | پایین | ۴۴ | | P<0.05 | ۳۹ | ۴/۰۳ | پایین | ۶۱ | فرمول ساده یی برای محاسبه سربار جهت موجودیهای کالا به کار گرفته می شود |
| P>0.05 | ۴/۷۶ | پایین | ۴۲ | ۱۵ | P>0.05 | ۵۸ | ۶/۵۷ | بالا | ۴۲ | حجم کمی از معاملات موجودیهای کالا در هر دوره پردازش میشود |

| | | | | | | | | | | |
|---------------------|------|-------|----|---|---------|----|------|-------|----|---|
| P>0.05 | ۴/۸۸ | بالا | ۲۵ | | P>0.05 | ۴۵ | ۴/۶۳ | پایین | ۵۵ | حجم قابل ملاحظه ای از معاملات حسابهای دریافتی در هر دوره پردازش می شود |
| P<0.05 | ۵/۷۸ | بالا | ۲۸ | ۹ | P<0.05 | ۲۵ | ۶/۸۷ | بالا | ۶۵ | حسابهای دریافتی بخش عمده ای از داراییهای جاری را تشکیل می دهد |
| P<0.01 | ۴/۸۶ | پایین | ۳۶ | | P<0.05 | ۳۹ | ۳/۸۰ | پایین | ۶۱ | سطح موجودیهای کالا به نحو مناسبی در طی چند سال گذشته ثابت مانده است |
| تغییرهای ریسک کنترل | | | | | | | | | | |
| P<0.001 | ۶/۱۵ | پایین | ۶۷ | | P>0.05 | ۶۷ | ۲/۶۶ | پایین | ۳۳ | وظایف کارکنان حسابداری مالی به نحو مناسبی تفکیک شده است |
| P<0.01 | ۵/۶۱ | پایین | ۶۵ | | P<0.001 | ۹۴ | ۴/۱۰ | پایین | ۶ | مغایرت بین شمارش عینی موجودیهای کالا ومدارک حسابداری مورد بررسی قرار گرفته ، رفع می شود |
| P<0.01 | ۶/۲۰ | پایین | ۹۵ | | P<0.001 | ۸۸ | ۳/۷۴ | پایین | ۱۲ | در واحد تجاری رویه مدون و موثری برای تجویز معاملات وجود دارد |
| P>0.05 | ۶/۴۹ | پایین | ۶۲ | | P<0.01 | ۷۹ | ۳/۷۷ | پایین | ۲۱ | در واحد تجاری سیستم الکترونیکی داده های (EDP) موثری وجود دارد |

۲۶ / فصلنامه مطالعات حسابداری شماره ۷

| | | | | | | | | | | |
|--------|------|-------|----|--|---------|----|------|-------|----|--|
| P>0.05 | ۵/۳۷ | پایین | ۶۱ | | P<0.001 | ۸۵ | ۳/۷۰ | پایین | ۱۵ | در واحد تجاری سیستم حفاظت فیزیکی کارآمد در مورد داراییها و مدارک حسابداری وجود دارد |
| P>0.05 | ۵/۳۳ | پایین | ۵۵ | | P<0.001 | ۹۴ | ۳/۴۰ | پایین | ۶ | دفتر معین حسابهای در یافتنی به طور اداری یا حساب کنترل بدهکاران تطبیق داده می شود |



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

1. Brenda H. Anderson & Mario J. Maletta "Prinacy Effect and the rol of irsk in Auditor Belief Revision Process " Journal of Practice & Theory Vol.18 No.1 Spring 1999.
2. Boritz, J.E, Gaber , B.G.& Lemon, W.M.(1987) ." An Experimental or Study the Review of Preliminary Audit Strategy by External Auditors' Studies in Canadian Accountign Research, The Canadian Academic Accounting Association.
3. C.A.Knapp & M.C.Knapp.(2000). " The Effect of Experience and Explicit Fraud Risk Assessment in Detecting Fraud with Analytical Procedures" Accounting Orgamiation and Society. Vol. 26, No. 1.
4. Chrstin Helliar Bob Lyon & Gary S. Monroe Juliana Ng & David R. Woodliff "UK Auditors" Perception of Inherent Risk" British Accounting Review. 1996.
5. C.Arthur Williams, Jr. & Michael, L Smith & Peter C. Young. Risk Management and Insurance. 8th ed.. Mc Graw-Hill. New York. 1998.
6. Colbert, J.L. (1988), "Inherent risk : an investigation of auditors' judgements", Accounting Organizations and Socity, Vol.13. No.2.
7. Colbert, J. (1987). "Use the Concetpt of Inherent Risk – it Helps", The Internal Auditor, April.
8. Cushing, B.E. & J.K. Loebbecke. (1983). Analytical Approaches to Audit Risk :A survey and analysis, Auditing " A Journal of Practice and Theory, Vol. 3, No.1.
9. Cushing, B.E. & J.K. Loebbecke. (1986). Comparison of Audit Metodologies of Large Accounting Firm, American Accounting Association.
10. Cushing, B.E. (1987). An Analysis of Sturcture Audit metodoligies in Large CPA Firm, Seminar paper. Unversity of New south Wales.

11. Daniel, S.L. (1988). "Some empirical evidence about the assessment of Audit – risk in practice" *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol, 7. No. 2. Spring.
12. Davis, J T. (1996). Experience and auditors" selection of relevant information for preliminary control risk assessments. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* Vol. 15.
13. Dirsmith, M. & Haskins, M. (1991). "Inherent Risk Assessment and Audit Firm Technology: A Contrast in World Theories, Accounting, Organisation and Society, Vol. 16, No. 1.
14. Dusenbury, R.B., J. L Reimers; S.W. Wheeler. (2000). The audit risk model: An empirical test of conditioned dependencies among assessed component risks. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* Vol.19.
15. Gary S. Monroe and Juliana Ng. (2000). "An examination of order effects in auditors" inherent risk assessments" *Accounting & Finance*. Vol, 40. No,2.
16. Grobstein, M & P. Wcraing. (1984). A Risk Analysis Approach to Auditing, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Spring, Vol. 3, No.2.
17. Haskins, M.E. (1987). Client Control Enviroments: An Examination of Auditors' Perceotion, *The Accounting Review*, July.
18. Haskins, M.E. and M. W. Dirsmith. 1993. Control and ingerent risk assessments in client engagements: An exmination of their interdependencies. *Journal of Accounting and Public Policy*. Vol. 14.
19. Helliard, C., Lyon, B., Monroe, J., Woodliff, D.R. (1996), "UK Auditors' Perceptions of Ingerent Risk." *British Accounting Review*, Vol No. 28.
20. Hollmes, H. (1995). *Auditing: an Activity Based Risk Evaluation Methodology*, Australian Educational Research, Sydeny.
21. Houghton, C.W. and Fogarty, J.A. (1991), " Ingerent risk", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 10. No.1. March.
22. Houghton, C.W. 1991. Inherent risk. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 10.

23. Hylas, R.E. and Ashton, R.H. (1983), "Auditn detection of financial statement errors". The Accounting Review, Vol. 57 No.4, October.
24. Jagan Krishnam & Jayanthi Krishnam. (1997), "littigation Risk and Auditor Resignations" The Accounting Review, Vol. 72. No.4.
25. Jiambalov, J. and Waller, W. (1984). "Decomposition and assessments of audit risk". Auditing: A Journal of Practice & Theory, Vol.3 No.2.Spring.
26. Kaplan, S. 1985. An examination of the effects of invioronment and explicit internal control evaluation on planned audit hours. Auditing: A Journal of Practice and Theory Fall.
27. Karia M. Johnstone, Terry, D. Warfield & Michael H. Sutton. Antecedents and Consequences of Independence Risk: Frameowor for Analysis. Accounting Holrizons. Vol. 15, No.1. 2001.
28. Libby, R., J. T. Artman; and J. J. Willingham 1985. Process susceptibility, control risk, and audit planning. The Accounting Review, Vol. 60.
29. Maletta, M. J. and T. Kida. 1993. The effects of risk factors on auditors ' configural infolrmaton processing. The Accounting Review, Vol. 68.
30. Mc Daniel. L.S. 1990. The effects of timepressure and audit program structure on auditperformance. Journal of Accounting Research, Vol.28.
31. Messier, W.F. & L. A. Austen. (2000) "Inherent Risk and control risk assessment: evidence on the effect of pervasive and specific risk factors. Auditing: A Journal of Practice and Theory Vol. 19.
32. Monroe, G.S., Ng, J.K.L. and Woodliff, D.R. (1993) "The importance of inherent risk factors: Auditors' perceptin"; Australian Accounting Review, Vol. 3 No.2.
33. Monroe, G.S., Ng (2000). An examination of order effects in auditors' inherent risk assessments. Accounting and Finance. Vol. 40.No.2.

- 34.M.H. Taylor (2001). The Effect of Industry Specialization on Auditors' Inherent Risk Assessment and Confidence Judgements, *Contemporary Accounting Research*. Vol, 17, No.3.
- 35.Patrick R. Delaney. "Auditing " 1st ed. John Wiley & Sons, Inc. 2000.
- 36.Peters, J.M. Lewis, B.L. and Dhar, V. (1989). "Assessing inherent risk during audit planning: the development of a knowledge based model", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 14 No.4.
- 37.Randal J. Elder & Robert D. Allen. "An empirical investigation of the relation between risk assessment and sample size decisions." *Social Science Research Network Electronic Paper Collection*: <http://papers.ssrn.com/paper.taf>. Abstract-id=211848
- 38.Robert J. Bloonfield (1997) " Strategic Dependence and inherent Risk Assessments", *The Accounting Review*. Vol 72. No.4.
- 39.Robert J. Bloonfield (1995) " Strategic Dependence and the Assessment of Fraud Risk: A Laboratory Study", *The Accounting Review*. Vol. 72. No.4.
- 40.Skerratt, L. C. & Woodhead, A. (1992). *Modelling Audit Risk*, *The British Accounting Review*, Vol. 24, No.2.
- 41.Strawser, J.R. (1991), "Examination of the effect of risk model componments on perceived audit risk". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 10 No.1. Spring.
- 42.The Auditors' Report. Vol. 18, No. 1, Spring, 1999.
- 43.The Auditors' Report. Vol. 23, No.1, Fall, 1999.
- 44.The Auditors' Report. Vol. 23, No.2, Winter, 2000.
- 45.The Auditors' Report. Vol. 24, No.1, Fall, 1999.
- 46.The Auditors' Report. Vol. 24, No.2, Fall, 2001.
- 47.The Auditors' Report. Vol. 25, No.2, Fall, 2002.
- 48.The Auditors' Report. Vol. 25, No.2, Fall, 2002.

49. Tucker, J. J. III (1989), "An early contribution of Kenneth W. Stringer: development and dissemination of the audit risk model", Accounting Horizons, Vol.3 No.2 June.
50. Wade, M.j. (1992). "Attitdes of Astralian audit managers to risk-based auditing: an empirical study", unpublished dissertation, University of New England.
51. Wallace, W. A. & R. W. Kreutnfeldt. 1995. The relation of ingerent and control risk to audit adjustments. Journal of Accolunting, Auditing, and Finance.
52. Waller, W. S. (1993). "Auditor's assessments of inherent and control risk in field settings". The Accounting Review. Vol.68.No.4. October.
53. William F. Messier, Jr. Auditing & Assurance. Services, 3th ed. Mcgraw-hill. 2003.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی